

رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تأثیر آن در کیفیت فضا*

(نمونه مورد مطالعه: پارک فجر تبریز)

دکتر مهروش کاظمی**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۴/۱۰

چکیده:

"جنسیت" به عنوان یک مقوله اجتماعی و هم ساخته^۱ و متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه، با واژه "جنس"^۲ که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست شناختی بکار می‌رود متفاوت است. این مقاله در بررسی ارتباط موجود بین جنسیت و معماری، مشکلی تحت عنوان "جنسیتی شدن فضا" را با تمرکز بر فضای پارک به عنوان فضای عمومی مطرح نموده، سپس به تبیین دلایل وقوع مشکل مذکور راهکارهای اجتناب از آن می‌پردازد. نتایج مشخص نمود پدیده جنسیتی شدن فضای عمومی دلیلی بر افت کیفیت و مطلوبیت فضا همچنین نمایانگر ناکارآمدی آن و تبدیل یک فضای عام به یک فضای خاص است. روش تحقیق بکار گرفته شده روش کیفی و در بخشی از پژوهش روش پیمایشی بوده، برای تشخیص مشکل از روش بالینی^۳ منتصب به آکوف استفاده شده است. علاوه بر نتایج حاصل، این مقاله به ارائه روشی جهت پرداختن به مقوله جنسیت در بخشی از حوزه معماری- فضا، محصول معماری- می‌پردازد.

کلید واژه ها: جنسیت، معماری، فضای جنسیتی شده، فضای عمومی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری با همین عنوان است که توسط نگارنده به راهنمایی آقای دکتر سید غلامرضا اسلامی و مشاوره خانم دکتر فرح حبیب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام یافته است.

Email: mmkk177@yahoo.com

** دکتری معماری، عضو هیئت علمی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

مقدمه

جنسیت مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند (نرسیسیاس، ۱۳۸۳، ص ۲۸). از این رو جنسیت به عنوان یک عامل اجتماعی و متاثر از فرهنگ مطرح می‌گردد، لذا تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در فرهنگ‌های مختلف و همچنین در طول زمان تغییر پذیراست. از دهه ۸۰ میلادی - همانند سایر علوم - لزوم پرداختن به رابطه بین جنسیت و معماری مطرح شد و به سال ۱۹۹۲ در خلال موج سوم جنبش برابری طلبی زنان^۷، کتاب «جنسیت و فضا»^۸ توسط بتائریس کولومینیا^۹ چاپ گردید (Colomin, 1992). موضوع جنسیت و معماری مبحثی پیچیده است و در حال حاضر کسانی که در معماری به مقوله جنسیت توجه دارند از پیروان جنبش برابری طلبی زنان در سایر زمینه‌ها الهام می‌گیرند؛ زیرا مطالعات پایه در رابطه با موضوع جنسیت متعلق به این گروه بوده و اشاره به مطالعات آنان اجتناب ناپذیراست. اما بر اساس تعریف جنسیت و توجه به این مهم که رفتارها و نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ برای بررسی رابطه بین جنسیت و معماری الزامی به داشتن گرایش و دیدگاه فمینیستی نیست. بدین معنی که هر جامعه برای بررسی و حل مسائل و مشکلات، پاسخی بومی دارد که باید در قالب فضای فرهنگی و اعتقادی خود به آن پرداخته و مورد قضاوت قرار گیرد.

این مقاله بدور از گرایش‌های فمینیستی به بررسی رابطه بین جنسیت و فضا - محصول معماری - با تمرکز بر پدیده "جنسیتی شدن فضا" می‌پردازد. فضای مورد نظر در این تحقیق، فضای عمومی است زیرا فضاهای عمومی برای استفاده هر دو گروه زنان و مردان در نظر گرفته شده و هیچ پیش فرض جنسیتی شدن بر آنها متصور نیست. اما گاهی بدلالی نظیر عدم انطباق وضع موجود فضاهای عمومی با نیازهای خاص بخشی از استفاده کنندگان (زنان / مردان) و یا وجود محدودیت و ناسازگاری در محیط، حضور بخشی از استفاده کنندگان در این فضاها کمرنگ شده و در پاره‌ای از موارد از حضور در بعضی از این فضاها اجتناب می‌کنند. در بین فضاهای عمومی شهری از جمله مراکز تجاری، تفریحی، فرهنگی، پارکینگ‌های عمومی، ترمینال‌ها، پارک‌ها و فرودگاه‌ها، پارک‌های عمومی به لحاظ ابعاد اقتصادی، نحوه خدمات رسانی و سهولت بهره‌مندی دارای بیشترین و گسترده‌ترین استفاده کنندگان هستند به همین دلیل بهترین گزینه از بین فضاهای عمومی به عنوان نمونه مورد مطالعه برای سنجش کیفیت موجود و جستجوی راه‌کارهای مناسب برای ارتقاء کیفیت آتی فضاهای شهری قابل بررسی می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در شهر تبریز و با تاکید بر پارک فجر واقع در شمال غربی شهر به عنوان نمونه‌ای از فضای عمومی جنسیتی شده انجام یافته است.^{۱۰} اهداف مورد نظر از انجام تحقیق، شناسایی و تبیین عوامل موثر بر فرآیند جنسیتی شدن فضا و همچنین تبیین وجود رابطه بین جنسیت و کارایی فضا می‌باشد. این مقاله بعد از بیان رابطه بین جنسیت و فضا و همچنین روش‌های جنسیتی شدن فضا، فرضیه‌ای رامطرح نموده و به روش پیمایشی به آزمون فرضیه می‌پردازد که روش تحقیق در مبحث آزمون فرضیه بطور کامل بیان گردیده است. نتایج حاصل ضمن اثبات فرضیه، امکان ارائه راهکارهایی را فراهم می‌نماید که در جهت بهبود کیفیت فضا - از نظر جامعه هدف - و همچنین حفظ این کیفیت در مدت زمان بهره‌برداری آتی فضا موثر می‌باشند.

جنسیت و فضا

در بررسی رابطه بین جنسیت و فضا با پدیده‌ای تحت عنوان فضاهای جنسی شده و فضاهای جنسیتی شده برخورد نموده و این سوال‌ها مطرح می‌شوند که آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه صورت می‌گیرد؟ در پاسخ سوال‌های فوق می‌توان گفت: مکان‌های خاص ممکن است براساس جنس زیست‌شناختی افرادی که آنها را اشغال می‌کنند خصوصیات جنسی داده شوند یا براساس جنسیت فعالیت‌های مختلف که در آنها انجام می‌شود جنسیت داده شوند. بعنوان مثال توالت‌ها، جنسی شده^{۱۱} - مؤنث یا مذکر- هستند چرا که توسط مردان و زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند در حالی که یک آشپزخانه خانگی بصورت زنانه جنسیت داده می‌شود زیرا آشپزی بطوراجتماعی امری است که به خانم‌ها مربوط می‌شود (Rendell, 2000: 101).

نافذترین و فراگیرنده‌ترین نمایش فضای جنسیتی^{۱۲} "حوزه‌های مجزا"^{۱۳} (عمومی/خصوصی) است. به اعتقاد طرفداران جنبش برابری طلبی زنان؛ اساس این طرز رفتار، که شهر را از خانه، عمومی را از خصوصی، تولید را از بازتولید و مردان را از زنان جدا می‌کند، سرمایه‌داری و مردسالاری است. اهمیت موضوع به این دلیل است که تصور مربوط به جنس، جنسیت و فضا که داخل این سلسله مراتب دوگانه وجود دارد، بطور مداوم بازتولید^{۱۴} شده و ادامه می‌یابد. آنچه در بحث حوزه‌های مجزا (عمومی/خصوصی) بعنوان نکته اساسی قابل‌تعمل است نتیجه و پیامد حاصل از آن است که به نگرشی خاص منجر شده و بر اساس آن حضور زنان در فضای عمومی بار معنایی منفی می‌یابد (کاظمی، ۱۳۸۶).

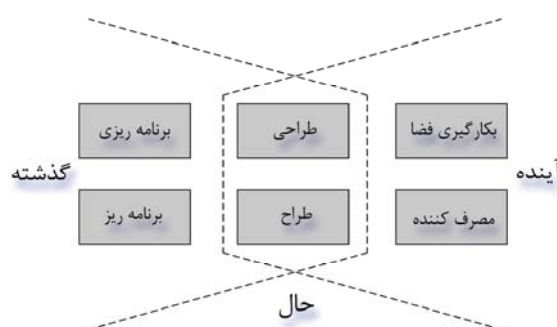
نمونه‌هایی از فضاهای جنسیتی شده را در معماری سنتی ایران نیز می‌توان یافت. مانند فضای حرمسراها که فضای جنسیتی شده زنانه بودند. یا فضاهایی که بصورت بالکن در طرفین تالار یا شاه نشین طراحی می‌شدند و محلی برای استقرار زنان جهت تماشای مراسمی بود که در تالار اجرا می‌شد، مانند آنچه در خانه بروجردی‌های کاشان و خانه قدکی تبریز وجود دارد. این امر بیانگر توجه معمار سنتی به لزوم تفکیک فضایی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه و طراحی متناسب با آن است. تفکیک فضایی بین جنس‌ها، یعنی جنسی کردن فضا، گاه امری منطقی است؛ بخصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می‌شود. حتی جنسیتی شدن فضا بر اساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست.^{۱۵} از این رو جنسیتی شدن یک فضا زمانی بعنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دوجنس (زن/ مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره‌برداری از آن فضا محروم شوند در حالیکه امکان بهره‌مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌شود.

به بیان ساده در جامعه سنتی بخشی از استفاده‌کنندگان فضا (زنان) به صورت محدود و تعریف شده در فضاهای عمومی حضور می‌یافتند، اما با تبدیل جامعه سنتی به مدرن حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پررنگ شده اما فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور طراحی نشده‌اند و زنان بطور مکرر در بهره‌برداری از فضاها و اماکن عمومی محدودیت‌ها و ناسازگاری‌هایی را تجربه می‌نمایند. دلیل اشاره به زنان بعنوان بخشی از استفاده‌کنندگان فضاهای عمومی از آنجاست که انتظارات فرهنگ حاکم بر جامعه و همچنین خصوصیات زنانگی، زنان را بسوی هنجار پذیری سوق می‌دهد و به جهت سازش با محیط، مجبور به تغییر دادن خود به نفع محیط می‌شوند،^{۱۶} به این مفهوم که از نیازها و انتظاراتی که از محیط دارند صرف نظر کرده و یا از محیط خارج^{۱۷} می‌شوند.

این امر با توجه به تحقیقات انجام یافته و مشاهده تجربیات روزانه زندگی - در فضاهای عمومی - برای تمام زنان قابل لمس است.^{۱۸} با خروج زنان از یک محیط عمومی فضای موجود ماهیت جنسی بخود می‌گیرد و به جهت افزایش حضور مردها در این فضای جنسی^{۱۹} شده، رفته رفته فعالیت‌هایی با ماهیت جنسیتی مردانه - اعم از فعالیت‌هایی با ماهیت مثبت یا منفی - در این فضا افزایش یافته و فضای عمومی اولیه به یک فضای جنسیتی شده تبدیل می‌شود. اکنون سوال مهمی ایجاد می‌شود: اینکه عوامل موثر در فرآیند جنسیتی شدن فضا کدامند و این فرآیند چگونه صورت می‌پذیرد؟

روش های جنسیتی شدن فضا

اگر فرآیند طراحی و خلق فضا را به سه مرحله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان جامعه، طراحی و بکارگیری فضا^{۲۰} تقسیم نماییم وقوع هر یک از مراحل را در محور زمان می‌توان بصورت تصویر (۱) نمایش داد.



منبع: نگارنده

تصویر ۱- مدل ارتباط زمانی مراحل مختلف فرآیند، با اقتباس از مدل اسلامی، ۱۳۸۴

بدین ترتیب برنامه‌ریزی به منابع حادث شده در گذشته، بکارگیری و استفاده از فضا متعلق به محصول ارائه شده در آینده بوده و مرحله طراحی به زمان حال تعلق خواهد داشت که همپوشانی گذشته و آینده است. بدین معنی که طراحی فضا چیزی است که از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه دارد. مانند طرح‌هایی که قبلاً شروع شده و در آینده تکمیل خواهد شد. با پذیرش این مطلب که فضا براساس نوع فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌گیرد جنسیتی می‌شود و این فعالیت‌ها منتج از نقش‌های جنسیتی^{۲۱} هر یک از دو جنس زن و مرد است، همچنین قبول این که نقش‌های جنسیتی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه تعیین می‌شوند؛ با فرض بستر فرهنگی ثابت، می‌توان بیان نمود که فضا به یکی از سه طریق زیر می‌تواند جنسیتی شود:

- از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان جامعه؛
- براساس کارهای عمدی یا غیر عمدی طی فرآیند طراحی؛ و
- براساس نحوه اشغال و بکارگیری فضا بعد از خلق آن.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان جامعه

در هر جامعه با توجه به ایدئولوژی برگرفته از جهان بینی و همچنین باتوجه به مقتضیات و در راستای هدایت جامعه بسوی اهداف غایی متصور برای آن، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌هایی در سطح کلان انجام می‌شود که سایر فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از جمله سیاست‌گذاری برای ایجاد فضاهای جنسیتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این معنی که ابتدا لزوم ایجاد فضاهای جنسیتی در برنامه‌ریزی‌های کلان مطرح می‌شود و در ادامه سایر مواردی که در تولید فضا نقش دارد - از جمله تدوین ضوابط و معیارها -

متاثر از این محور اساسی شکل می‌گیرند. جهت ارائه مثالی از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان جامعه می‌توان به برنامه‌ریزی که جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان سند چشم‌انداز بیست ساله انجام شده و طی چهار برنامه پنج ساله در حال اجرا است اشاره نمود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۷ انجام شده است، قانون برنامه چهارم توسعه^{۲۲} به عنوان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان جامعه منظور نظر می‌باشد.

بر اساس ماده ۳۰ فصل اول - بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی - این قانون، دولت موظف است به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و **بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها**، اقدام‌هایی را در بخش‌های عمران شهری و روستایی و مسکن به عمل آورد (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

یکی از روش‌های نیل به اهداف فوق‌ترتیبی کیفیت زندگی زنان در شهرها - به عنوان گروهی از استفاده‌کنندگان فضا که بیش از نیمی از جمعیت را شامل می‌شوند - و توجه به نیازهای آنان در بهره‌برداری از فضاهای شهری و برخورداری از امکانات خدماتی در سطح شهرها است. به این معنی که سیاست شهری، ساختار شهرها و مطالعات شهری نیازها و اولویت‌های زنان را به حاشیه نرانده و از آنها چشم‌پوشی ننماید. در این صورت فضاهای ایجادشده از مطلوبیت و کارایی بالایی برخوردار بوده و زنان بعنوان بخشی از استفاده‌کنندگان فضا با رضایت در آنها حضور یافته و مجبور به ترک فضا نخواهند شد. مطالعه قانون برنامه چهارم توسعه با دقت در مورد موضوع جنسیت مشخص می‌کند؛ صرف نظر از مواردی که به رفع تبعیض جنسیتی، ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان و مردان، تلاش برای افزایش مشارکت زنان در توسعه و افزایش باورها نسبت به شایستگی زنان اشاره شده در خصوص نیاز به ایجاد فضاهایی جنسیتی اشاره ای نشده است.

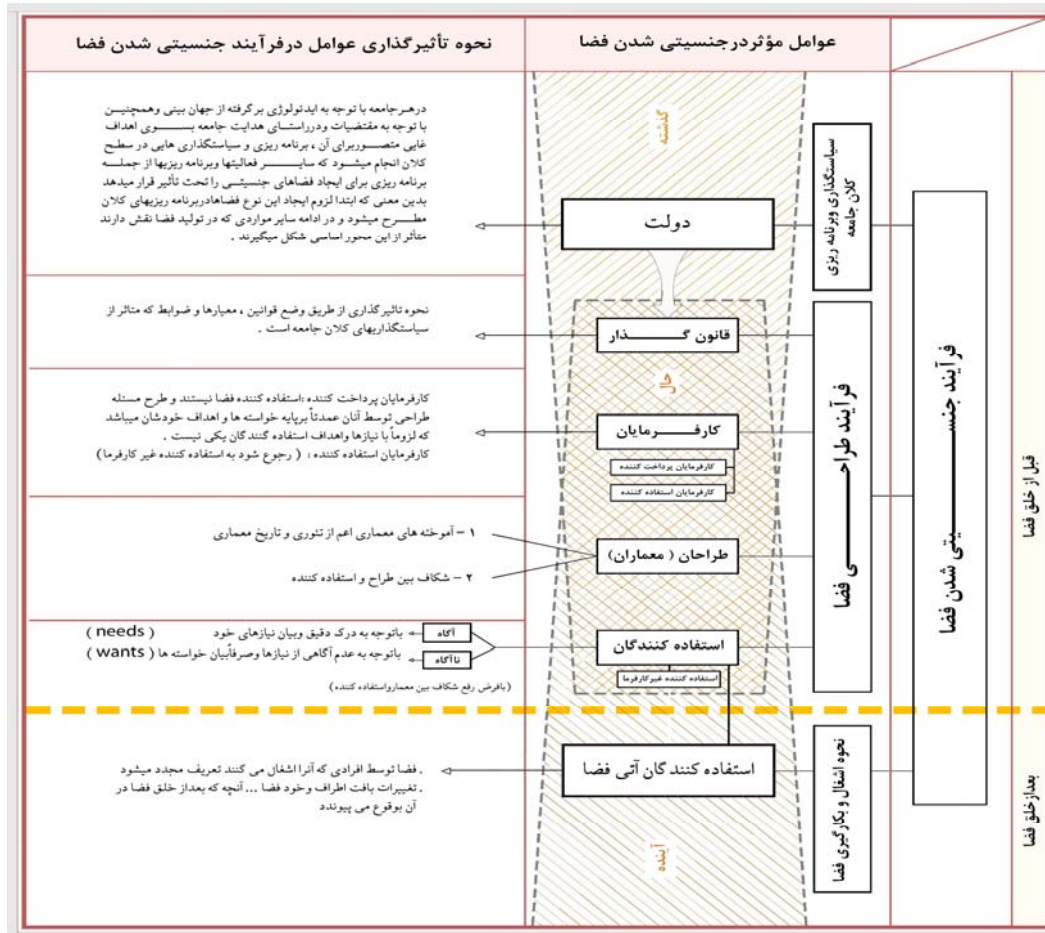
فرآیند طراحی^{۲۳}

بر اساس الگوی ارائه شده یکی از عوامل موثر در جنسیتی شدن فضا متعلق به فرآیند طراحی فضا است. در این راستا به الگوی فرآیند طراحی ارائه شده توسط برایان لاسان^{۲۴} به عنوان الگویی که به تبیین جایگاه هر یک از عوامل موثر در مسئله طراحی می‌پردازد استناد می‌شود. بر اساس الگوی لاسان مولدهای مسئله طراحی به چهار گروه قانون‌گذاران، کارفرمایان، طراحان و استفاده‌کنندگان تقسیم می‌شوند (لاسان، ۱۹۸۰). جایگاه معمار (طراح) در این فرآیند از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا نه تنها به عنوان حلقه اتصالی بین کارفرما و قانون‌گذار از یک سو و استفاده‌کننده از سوی دیگر مطرح است، بلکه ماحصل فرآیند (طرح) در نهایت توسط وی تحقق می‌یابد از این رو معمار (طراح) در فرآیند جنسیتی شدن فضا یکی از تاثیرگذارترین عوامل خواهد بود. با توجه به این مطلب سوالی مطرح می‌گردد؛ آیا ترک فضا توسط بخشی از استفاده‌کنندگان فضا می‌تواند به دلیل عدم مطلوبیت و افت کارایی فضای طراحی شده از ناحیه معمار باشد؟

فرضیه پژوهش

به این ترتیب در راستای پاسخ به سوال فوق فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه "کم توجهی به موضوع جنسیت در طراحی فضاهای عمومی افت کارایی و مطلوبیت فضا را به همراه داشته و موجب ترک اجباری بخشی از استفاده‌کنندگان فضا می‌شود" شکل می‌گیرد. بطوریکه این روند در نهایت منجر به جنسیتی شدن فضا می‌گردد. به جهت

اهمیت مرحله فرآیند طراحی و مجال محدود مقاله، جایگاه هریک از مولدهای مسئله طراحی براساس الگوی فرآیند طراحی لاسان وهمچنین نحوه تاثیرگذاری هریک در فرآیند جنسیتی شدن فضا در تصویر شماره (۲) جمع بندی و ارائه شده و ادامه بحث را با تمرکز بر جایگاه معمار (طراح) و تاکید بر ارتباط وی با استفاده کننده فضا دنبال می‌گردد.



تصویر ۲- جدول ارتباطی بین فرآیند طراحی فضا و مولدهای مسئله جنسیتی شدن و نحوه تاثیر هریک از عوامل منبع: نگارنده

در تقسیم بندی لاسان طراحان (معماران) یکی از مولدهای مسئله طراحی می‌باشند. از طراحان نیز مانند هنرمندان انتظار می‌رود فقط به حل مسئله نپردازند، بلکه نکات و علایق باطنی خود را نیز در فرآیند کار وارد کنند؛ با این تفاوت که طراح معمولاً با محدودیت بیشتری نسبت به هنرمند روبرو است. محصول فرآیند طراحی نتیجه کار طراح یا معمار است. وی باید به سفارش کارفرما و توجه به خواسته‌ها و نیازهای او، رعایت حد مجاز ارضای علایق هنری خویش که تابعی از ماهیت مسئله طراحی و ارتباط طراح با کارفرما است و همچنین رعایت قوانین و ضوابط ارائه شده از سوی قانون‌گذار به امر طراحی بپردازد (لاسان، ۱۹۸۰). با فرض اینکه جنسیتی شدن یک فضا در سیاستگذاری کلان و به تبعیت از آن در قوانین وضع شده توسط قانون‌گذار مطرح نشده باشد، طراحان در موقعیت خود به یکی از دو روش زیر می‌توانند در ایجاد فضای جنسیتی موثر باشند:

۱- براساس آموخته‌های خود از نظریه و طراحی معماری؛ و

۲- براساس شکاف موجود بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده فضا.

روش اول برپایه آنچه که ماهیت جنسیتی شده نظریه معماری نامیده می‌شود؛ به وقوع می‌پیوندد. این مسئله یکی از موضوع‌های مورد بحث در رابطه جنبش برابری طلبی زنان و معماری است که دیانا آگرس^{۲۵} با رویکردی انتقادی به این موضوع پرداخته و استدلال می‌کند نظریه معماری با حذف کردن یا سرکوب کردن زن و جسم او از معماری، جنسیتی شده است و اثبات می‌کند سیستم معماری غرب از زمان ویتروویوس از چنین منطقی برخوردار بوده است (Agrest, 1993).

در مورد روش دوم، طراح (معمار) دسترسی مستقیم به کسانی که برای آنها طراحی می‌کند ندارد. به جهت شکاف موجود بین آن دو که زایسل^{۲۶} نیز به آن اشاره نموده است (Zeisel, 1984) دسترسی به استفاده کننده واقعی طرح- فضا- برای استنتاج نیازها و خواسته‌های وی فراهم نشده و طراحی بدون حضور بهره بردار فضا انجام می‌شود، در نتیجه فضا قادر به پاسخگویی مناسب به نیازهای استفاده کنندگان نبوده و محدودیت‌ها و ناسازگاری‌های موجود باعث افت کارایی فضا می‌گردد.

آزمون فرضیه

برای آزمون فرضیه از بین فضاهای عمومی، **فضای پارک** به عنوان نمونه مورد مطالعه و از بین استفاده کنندگان فضا **گروه زنان** به عنوان جامعه هدف انتخاب شد. قبل از پرداختن به آزمون فرضیه لازم است درخصوص **کارایی فضا** به مطالبی که اساس آزمون را تشکیل داده اشاره شود. میزان کارایی فضا یکی از معیارهای کیفی سنجش فضا است، به این ترتیب که انسان پاسخ نیازهای خود را در فضا جستجو می‌کند و برای هر نیاز خاص، ذهن انسان توقع فضایی خاصی را می‌طلبد که بتواند بهترین بستر را برای ارضا نیازهای وی فراهم کند. نحوه پاسخ گرفتن از فضا و میزان رضایت شخص از محیط در رفتار و واکنش وی نسبت به محیط بروز می‌نماید. در حقیقت رابطه نزدیک و متقابل بین فضا و رفتار وجود دارد (مرتضوی، ۱۳۸۰). هر شخص به محض حضور در یک فضا به بررسی و ارزیابی محیط می‌پردازد. زمانی که محیط شرایط مناسب‌تری را فراهم می‌کند و شخص می‌تواند با زحمت کمتری به هدف خود برسد احساس گیرایی و مطلوبیت کرده و تمایل دارد مدت طولانی‌تری در آن محیط توقف نماید.

دستیابی و استفاده از محیطی مطلوب و با کیفیت توقعی است که هر فرد از فضا دارد. مطلوبیت فضا از نظر بیننده (استفاده کننده) ارتباط مستقیمی با برآورده شدن توقعات وی دارد. اگر فضایی قادر به پاسخگویی مناسب برای نیازهای خاص استفاده کنندگان و یا بخشی از آنان نباشد، فضای کارآمدی محسوب نمی‌شود، به این معنی که از کیفیت مناسبی برخوردار نیست، اگرچه از نظر کمیت و ماهیت اشکالی نداشته باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵). نظر به اینکه مطالعات جامع و مکتوبی در مورد نیازهای روانی و رفتاری زنان در فضاهای عمومی و پارک‌ها وجود نداشت (Greed, 1994) استخراج عوامل موثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا- فضای پارک- از خود گروه هدف به **روش پیمایشی**^{۲۷} ضرورت یافت تا معیارهایی برای آزمون فرضیه در نمونه مورد مطالعه- پارک فجر تبریز- بدست آید. بدین منظور پرسشنامه مناسب تهیه و به گردآوری اطلاعات بصورت میدانی و انجام مصاحبه با بانوان بالای ۱۲ سال در محل پارک‌های نمونه اقدام گردید. این بخش از تحقیق از نظر زمانی بررسی **مقطعی**^{۲۸} و از نظر وسعت بررسی **پهنانگر**^{۲۹} است. به منظور تعیین **روایی**^{۳۰} سؤال‌های پرسشنامه از روش تحلیل روایی محتوایی^{۳۱} و به منظور تعیین **پایایی**^{۳۲} سؤال‌ها از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است در بررسی به دلیل گستردگی و ناشناخته بودن جامعه آماری مورد مطالعه از

نمونه گیری زمانی استفاده شده است و سپس بر اساس روش نمونه گیری طبقه‌ای، تعدادی از پارک‌ها در مقیاس همسایه، محله، ناحیه، منطقه و شهر از نقاط مختلف شهر تبریز انتخاب گردیدند (جدول ۱).

ردیف	نام پارک	مساحت (مترمربع)	مقیاس پارک
۱	پارک اسد آبادی	۳۸۰۰	همسایگی
۲	پارک قطران	۵۵۰۰	همسایگی
۳	پارک قائم مقام	۹۸۰۰	محله
۴	پارک پاسداران	۹۴۷۰	محله
۵	پارک آخم‌قیه	۲۰۷۰۰	ناحیه
۶	پارک شقایق	۴۰۰۰۰	ناحیه
۷	پارک باغ‌میشه	۵۳۰۰۰	منطقه
۸	پارک فجر (گلستان)	۵۰۰۰۰	منطقه
۹	پارک ائل‌گلی	۶۱۰۰۰۰	شهر

منبع: نگارنده

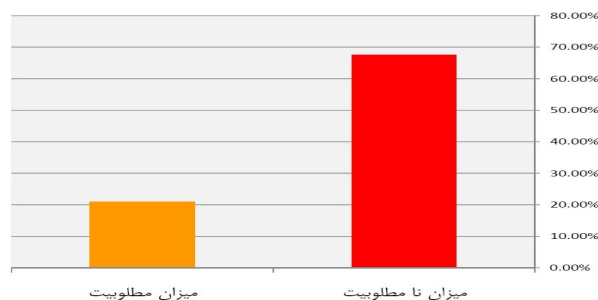
جدول ۱- مشخصات پارکهای انتخابی بعنوان جامعه آماری

خلاصه یافته های پژوهش

براساس تحلیل داده‌ها عوامل موثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا و همچنین میزان تاثیر آنها تعیین شده و براساس آن دیاگرام‌های زیر استخراج گردید که بیانگر سهم هر یک از عوامل در نتیجه کلی می‌باشد (تصویر ۳) و (تصویر ۴).



نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، شاخص‌هایی ارائه نمود که بعنوان عوامل موثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا طبقه‌بندی شدند و سنجش کارایی فضای طراحی شده را ممکن ساختند. آزمون یافته‌های مرحله اول تحقیق در نمونه مورد مطالعه- پارک فجر- به عنوان یک فضای جنسیتی شده، مشخص نمود که فضای مذکور از میزان نامطلوبیت بالا و مطلوبیت کمتری- البته از نظر زنان- برخوردار است. (نمودار ۱) به این ترتیب فرضیه پژوهش که به ارتباط بین افت مطلوبیت و کارایی فضا و ترک بخشی از استفاده کنندگان می‌پردازد اثبات گردید.

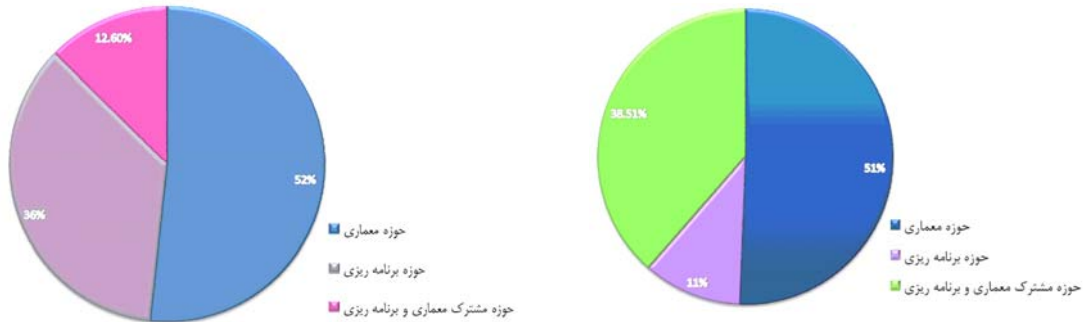


منبع: نگارنده

نمودار ۱- میزان وجود عوامل نامطلوبیت فضا در پارک فجر برای بانوان

سهم مداخله هریک از حوزه های تخصصی

در ادامه سهم مداخله هریک از حوزه های تخصصی در تامین مطلوبیت فضا و همچنین رفع نامطلوبیت فضا تعیین گردید که نتایج حاصل با نمودارهای زیر ارائه می شود (تصویر ۵) (تصویر ۶).



تصویر ۶- دیاگرام سهم مداخله حوزه های تخصصی در رفع نامطلوبیت فضا منبع نگارنده

تصویر ۵- دیاگرام سهم مداخله حوزه های تخصصی در تامین مطلوبیت فضا منبع نگارنده

همانطور که ملاحظه شد بخشی از یافته های پژوهش بیانگر اختصاص بیشترین سهم مداخله - در تامین مطلوبیت و همچنین رفع نامطلوبیت فضای پارک- به حوزه معماری است و این امر تاییدی است بر اهمیت نقش معمار؛ ولی همانطور که در الگوی فرآیند طراحی لاسان نیز به آن اشاره شده نقش کارفرما، قانون گذار و استفاده کننده فضا نیز به لحاظ تأثیری که بر ماحصل کار معمار دارند از اهمیت برخوردارند. برای مثال معمار در امر طراحی با ضوابط و قوانینی که توسط قانون گذار وضع می شود به عنوان محدودیت های بیرونی انعطاف ناپذیر درگیر بوده و ملزم به رعایت آنها می باشد. این قوانین متأثر از سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه و در راستای آنها می باشد حال اگر موضوع جنسیت و لزوم توجه به رفتارها و نیازهای جنسیتی متفاوت استفاده کنندگان فضاهای معماری و شهری در سیاستگذاری کلان جامعه لحاظ شود پیرو آن قانون گذار **وضع ضوابط و قوانین طراحی متناسب** را در دستور کار خود قرار داده و نتیجه کار تأثیر مثبت در طراحی معمار با هدف مناسب سازی و کارآیی فضا برای استفاده کنندگان - زنان یا مردان- خواهد داشت.

در حال حاضر جایگاه پرداختن به این موضوع در کشور ایران- محل انجام تحقیق- ماده ۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مبحث مربوط به بهبود محیط زندگی در شهرها وجود دارد به این معنی که بوجود ماده ای تحت عنوان **"مناسب سازی فضاهای شهری و اماکن عمومی برای زنان"** مبتنی بر عدم ایجاد حوزه های مجزا، احساس نیاز می شود. به تبع آن قانون گذار ملزم به تدوین و ابلاغ ضوابط طراحی در راستای مناسب سازی فضاهای عمومی، اماکن و ساختمان های عمومی و دولتی برای زنان خواهد بود. به جهت تحقق سیاستگذاری و برنامه ریزی و همسو بودن با ضوابط و قوانین جامع نگر، لازم است کارفرمایان در برنامه ریزی های خود ملزم به رعایت ضوابط اساسی گردند و **سلایق خود را در مواردی که به اهداف کلی طرح لطمه نزد ارائه نمایند.** برای مثال احداث پارک بانوان نمونه ای از رفتار سلیقه ای و اقدامی از ناحیه کارفرما- شهرداری ها- است که با هدف ارائه راه حل برای مشکلات موجود در پارک ها انجام گرفته است.^{۳۳}

بخشی دیگر از یافته‌های تحقیق عبارتند از **تامین حس تسلط فضایی** و سهولت دسترسی^{۳۴} که لزوم تاکید بر احداث **پارک با نگرش محله محور** را مطرح می‌نمایند. به این معنی که کارفرمایان پارک‌ها- که عموماً سیستم‌های دولتی (شهرداری‌ها)- می‌باشند باید در احداث پارک‌ها، نگرش محله محور را در اولویت قرار دهند. از آنجایی که رسالت این پژوهش بیان لزوم توجه به جنسیت استفاده‌کنندگان و توجه به خواسته‌ها و نیازهای رفتاری و روانی متاثر از تفاوت‌های جنسیتی آنان (زنان/ مردان) به عنوان عاملی موثر بر کیفیت و کارایی فضا می‌باشد **ارتقای آگاهی استفاده‌کنندگان** از خواسته‌ها و نیازهای خود و **فرهنگ سازی بهره‌برداری از فضا** به همان میزان داشتن ارتباط مستقیم معمار با استفاده‌کننده فضا اهمیت دارد. در یک جمع بندی کلی لزوم حضور استفاده‌کننده با تمام خصوصیاتش اعم از خصوصیات فرهنگی، اقتصادی، جنسیتی از مرحله برنامه‌ریزی و سیاست گذاری و همچنین حضور برنامه‌ریز و سیاستگذار کلان جامعه - از طریق عوامل مربوطه به جهت اطلاع از بازخوردها و تغییرات ایجادشده بر اثر گذشت زمان - در حیات آتی فضا احساس و پیشنهاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

اهم یافته‌های حاصل از بررسی میدانی که عبارتند از **سهولت دسترسی به پارک، ایجاد حس تسلط فضائی، تفکیک فضائی قلمروها** در پارک‌های شهری با هدف جلوگیری از جنسیتی شدن فضای پارک که مستقیماً با مکان یابی و طراحی پارک در ارتباط هستند را می‌توان مطابق جدول (۲) بیان نمود. از بین موارد فوق مورد اول و دوم بصورت توأم به سمت ترویج احداث پارک‌های محله‌ای هدایت می‌کنند. طبق بررسی بعمل آمده جایگاه سیاستگذار با توجه به استمرار حضور در دوره بهره‌برداری از نظر شکلی فاقد کاستی بوده و چنانچه در چارچوب برنامه‌های دراز مدت گام برداشته شود عملکرد در راستای توسعه مناسب خواهد بود.

اهم نتایج	حوزه ارتباط	استمرار و نحوه حضور پس از خلق فضا طبق ضوابط موجود
ترویج پارک‌های محله	سیاست گذار و کارفرمای دولتی	مدیریت و نظارت سطح ۱
ایجاد حس تسلط فضائی		
سهولت دسترسی به پارک	مهندسین مشاور شهرساز (طراح طرح جامع و تفصیلی شهر)	بازنگری دوره ای ۱۰ ساله (سطح ۲)
تفکیک فضائی قلمروها در پارک های شهری	مهندسین مشاور معماری (طراح پارک)	عدم حضور

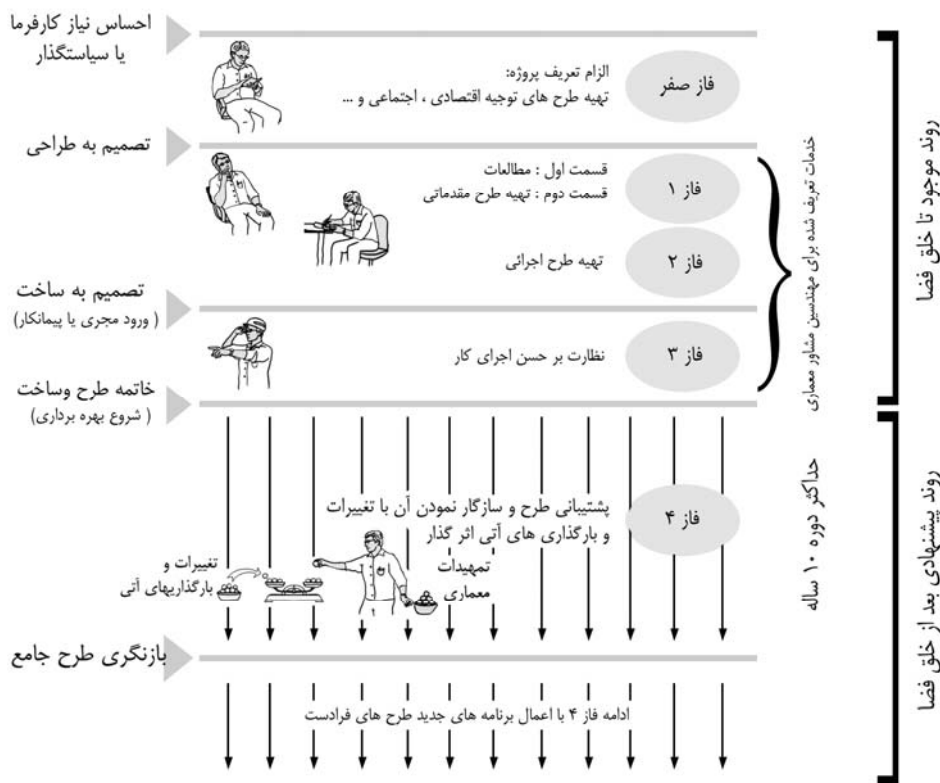
جدول ۲- اهم نتایج، حوزه ارتباط، ضوابط موجود

منبع: نگارنده

همچنین با توجه به شرح خدمات مصوب برای کارهای شهرسازی در حوزه تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی و لزوم بازنگری در دوره‌های حداکثر ۱۰ ساله (طبق مصوبه شورایعالی معماری و شهرسازی ایران) عملاً هرگونه بارگذاری و تغییرات کلان در حوزه شهری به توسط مشاورین شهرسازی، بدلیل اجازه حضور در دوره بهره‌برداری فضاهای شهری قابل کنترل خواهد بود، هر چند این کنترل صرفاً در خارج از حدود کاربری و حداکثر در قالب ضابطه کلی برای فضای عمومی تعریف می‌شود. از این میان همانطوری که از جدول (۲) بر می‌آید تنها معمار در دوره پس از خلق فضا حضور ندارد و از آنجایی که طبق شرح خدمات مندرج

در قسمت اول مرحله اول بخشنامه شماره ۴۴۲۹/۵۴/۹۸۳-۱ مورخ ۷۰/۳/۲۶ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت آمده است، مشاور معماری صرفاً در خصوص برنامه‌های آتی فضای مورد طراحی، آن بخش را که کارفرما مشخصات و اطلاعات آن را داشته و به مشاور ارائه نماید در طرح خود لحاظ خواهد نمود. حال آنکه بخش قابل توجه و تأثیر گذاری از طرح‌های آتی موثر بر پارک و یا هر فضای شهری بدون برنامه قبلی و تحت فشار توسعه‌گر اتفاق می‌افتد.

با توجه به این مسئله اهمیت حضور مشاور معماری در دوره بهره‌برداری فضا، به جهت مقابله با بارگذاری‌های آتی پیش‌بینی نشده مشخص می‌گردد. تا بتواند تمهیدات لازم را در سازگار نمودن فضا در برابر تأثیر تغییرات آتی کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و تصمیمات و دیدگاه‌های سیاستگذار توسعه‌گر ارائه و در کالبد فضا اعمال نماید. همچنین از آنجائی که فضای طراحی شده بر اساس مطالعات اولیه برنامه‌ریزی، طراحی و اجراء گردیده است، در صورت تغییرات مورد اشاره، از نظر عملکردی دچار اشکالاتی خواهد گردید که با افت کیفیت در مرحله نخست، رو به جنسیتی شدن رفته و نهایتاً به عدم بهره‌مندی بخش زیادی از استفاده‌کنندگان منجر خواهد گردید و به مرور به معضل جدیدی برای شهر و شهروندان تبدیل خواهد شد (تصویر ۷).



منبع: نگارنده

تصویر ۷- جایگاه پیشنهادی فاز چهار خدمات مهندسين مشاور

پی‌نوشت‌ها

- 1- Gender
- 2- Constructed

- 3- Sex
- 4- General

- 5- Specific

۶- Ackoffian Symptomatic Analogy؛ در روش بالینی مشکلات و مسائل همانند راه‌حلهای آنها بصورت سامانه ای دیده شده و پژوهشگر در صدد تجویز نسخه برای دردهای مشخص و موضعی است. در حقیقت نتیجه و حاصل تلاش پژوهشگر بصورت نسخه جهت مداوای امراض ارائه می‌گردد. در این روش تشخیص درست مشکل قسمتی از جواب مسئله، و خود مسئله و یا بهتر بگوییم طرح مشکل، منبع اصلی و محرک و شروع‌کننده پژوهش است. (رجوع شود به: اسلامی، ۱۳۸۴)

- 7- Fiminism

۸- Sexuality and Space ؛ این کتاب اولین مجموعه از کارهایی بود که ایده های ایجاد شده درباره جنسیت را به سایر زمینه ها نظیر انسان شناسی، تاریخ هنر، مطالعات فرهنگ، تئوری فیلم، جغرافیا، روانشناسی و فلسفه، برای ایجاد مطالعات معماری کشاند.

9- Beatriz Colomina

۱۰- لازم بذکر است بجز مکان یابی پارکها که مربوط به گروه رشته شهرسازی میباشد، طراحی آنها به جهت پیچیدگی از نظر (فیزیکی- عملکردی) در گروه رشته ساختمان(معماری) قرار دارد.

11- Be Sexed

12- Be Gendered Space

۱۳- Separate spheres ؛ یک سیستم مخالف و سلسله مراتبی که شامل تسلط عمومی مرد از قلمرو تولید(شهر) و تابعیت خصوصی زن از یک بازتولید (خانه) می باشد.(رجوع شود به:

Susana Torrei,(2000), Claiming the Public Space:The Mother of Plaza de Mayo); Elizabeth Wilson,(2000), Into Labyrinth Penner and Iain Borden(ed.),Gender , Space Architecture, London and New York :Routledge)

۱۴- Re-production ؛ تولید مجدد و نسل به نسل.

۱۵- برای مثال فعالیتی نظیر تجمع در قهوه خانه و کشیدن قلیان در فرهنگ مردم بعضی از نقاط ایران مانند تبریز فعالیتی کاملا مردانه محسوب میشود لذا فضای قهوه خانه ها در سطح شهر تبریز یک فضای جنسیتی مردانه بوده و زنان هرگز در آنها حضور ندارند. در حالیکه ممکن است همین فضا در یک محیط دیگر به عنوان یک فضای عمومی قابل استفاده برای هر دو جنس باشد.

16- Self-Others Adaptation

17- Others – Others Adaptaion

۱۸- آکوف (۱۹۷۲) چهار نوع سازگاری یا تطبیق را در یک سیستم تعریف می کند. در حالت اول محیط و شرایط آن توسط سیستم پذیرفته میشود و به این ترتیب سیستم به جهت سازگاری محیط را انتخاب می نماید و در صورت عدم امکان انتخاب از محیط خارج میشود. در حالت دوم سیستم محیط را به نفع خود تغییر میدهد تا به سازگاری و تطبیق برسد. در حالت سوم در این روش سیستم خود را به نفع محیط تغییر می دهد. در حالت چهارم سیستم توجهی به محیط نداشته و مستقل از محیط عمل می کند. آن را توسعه درونزا، خوداتکا یا خودسازی می نامند (رجوع شود به: اسلامی، ۱۳۸۵، برنامه ریزی معماری، دوره دکتری معماری)

19- Be Sexed Space

20- Occupation

21- Gender Rols

۲۲- قانون برنامه چهارم توسعه مصوبه ۱۳۸۳/۶/۱۱ برای مقطع زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) دارای شش بخش و ۱۶۱ ماده می باشد که در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۵ جهت اجرا ابلاغ شده است.

23- Design Process

27- Survey

31- Content Analysis

24- Bryan Lawson

28- Cross Sectional

32- Reliability

25- Diana Agrest

29- Extensive

26- Zeisel

30- Validity

۳۳- نتایج حاصل از تحقیق انجام یافته در پژوهشی مجزا توسط نگارنده در خصوص پارکهای بانوان تبریز مشخص نموده که این نوع پارکها علیرغم موفقیت در رفع پاره ای از نامطلوبیتهای راه حل کارآمدی برای مشکلات موجود محسوب نمیشوند.

۳۴- موضوع سهولت دسترسی از یک زاویه دیگر در ارتباط با جامعه هدف (زنان) و در ارتباط با شیوه زندگی والگوی فعالیت آنان مطرح میشود. الگوی زندگی زنان ترکیب پیچیده ای از مشاغل اداری، مسئولیتهای خانه داری و همچنین نگهداری از بچه ها می باشد. نتایج حاصل از تحقیقی مجزا که توسط نگارنده انجام یافته است در خصوص توزیع فراوانی براساس محل سکونت، نشان می دهد زنان متمایل به حضور در پارکهای هستند که ضریب دسترسی فیزیکی بالایی برای آنها وجود دارد. (رجوع شود به: کاظمی، مهروش (۱۳۷۸)، رویکردی تحلیلی به نقش جنسیت در بهبود کیفیت فضا، رساله دکتری به راهنمایی دکتر غلامرضا اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران)

منابع:

- ۱- اسلامی، سید غلامرضا، (۱۳۸۴)، "پژوهش در حوزه هنر و علم: شباهت‌ها و تفاوت‌ها"، مقاله ارائه شده در هم اندیشی پژوهش هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران .
- ۲- برتیوم، فرانسوا، آندره لامورد، (۱۳۷۵)، "روش تحقیق در روانشناسی"، ترجمه دکتر حمزه گنجی، ویرایش.
- ۳- پاکزاد، جهانشاد، (۱۳۸۵)، "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، نشر شهیدی، چاپ اول.
- ۴- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، "کندوکاوها و پنداشت‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی"، شرکت سهامی انتشار.
- ۵- قانون برنامه چهارم توسعه، (۱۳۸۵)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۶- لاسان، برایان، (۱۳۸۴)، "طراحان چگونه می‌اندیشند، ابهام زدایی از فرآیند طراحی"، ترجمه حمید ندیمی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- کاظمی شیشوان، مهروش، (۱۳۸۶)، "حوزه های مجزا" نماد فضاهای جنسیتی در معماری"، همایش زنان معمار ایرانی، تهران.
- ۸- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰)، "روانشناسی محیط و کاربرد آن"، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- نرسیسیاس، امیلیا، (۱۳۸۳)، "مردم شناسی جنسیت"، نشر افکار، چاپ اول.
- 10- Agrest, Diana, (1993), "Architecture from Without: Theoretical Framings for A Critical Practice", Cambridge, Mass.: MIT Press.
(See, for example, Vitruvius, The Ten Books on Architecture, (trans. Morris Hicky Morgan, New York: Dover, 1960); Leon Battista Alberti, Ten Books on Architecture (1485), London: Alex Tiranti, 1965).
- 11- Greed, Clara, (1994), "Women & Planning: Creating Gendered Differences", Routledge, London.
- 12- Zeisel, J., (1984), "Inquiry by Design", Cambridge University Press.
- 13- Colomina, Beatriz (ed.), (1992), "Sexuality and Space", New York: Princeton Architectural Press.
- 14- Rendell, Jane, (ed.), (2000), "Gender, Space, Architect", Introductory Essay : Gender, Space, London & New York: Routledge.